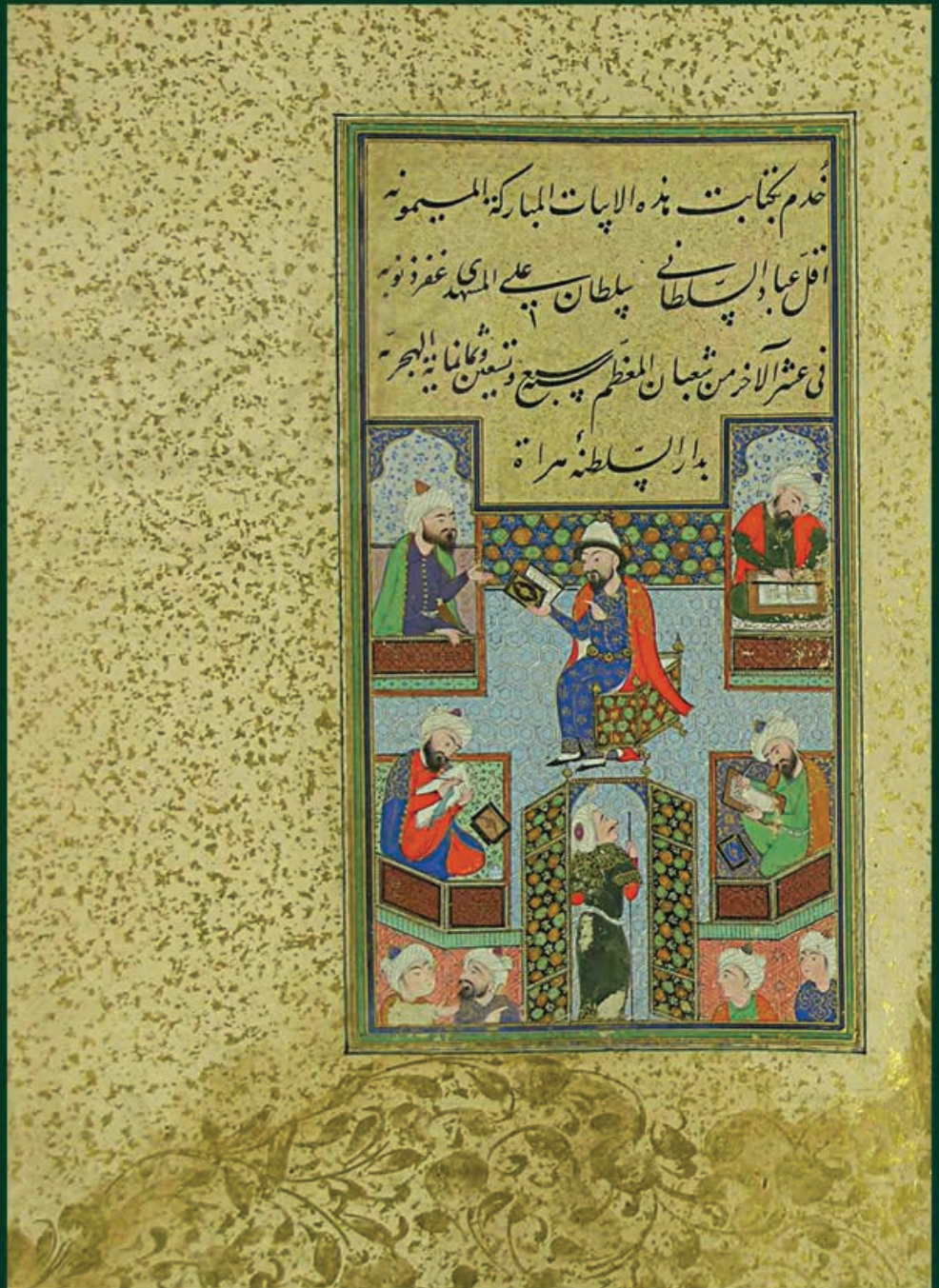


فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۴۰۰ [انتشار: زمستان ۱۴۰۱]

سرخس: سنگ زیرین آسیای تحقیق • یک تحول آوایی محدود در زبان فارسی / علی‌اکبر صادقی • فردوسی در بارگاه سلیمان؟ / ابوالفضل خطیبی، امیر ارغوان • اقیانوس مآلصدر از المباحث المشرفیة فخر رازی در اسفار / سیل بوندارادا ترجمه: سید ایزدی، بریم مهدوی مزه • دو بیت نریافته از رودکی در یک کتاب عروض و بلاغت تازه یاب از پایان قرن هفتم هجری / سید محسن حکیم • کتابخانه سلطنتی محمدظاهر شاه و فهرست‌نویسی نسخ خطی آن / مصوبه نظری • برگ‌های آغازین شاهنامه حاجی قوام‌الدین حسن وزیر / امیر ارغوان • آرتور اوپهام پوپ و منتعصب تلخ مزاج / اسکار وایت موسکارلا، ترجمه: هدیه ربهی • «قصص سده‌امی» و «دقده»، دو اصطلاح ناشناخته در دیوان خاقانی / سید محسن حسینی وردنهجانی • سفینه پریحجر: معرفی اثری از قرن هشتم / فرزانه شکراللهی • نثر فارسی، جلد پنجم از تاریخ ادبیات فارسی / مجتهدین کیمانی • درباره یک سرت اهنی در تصحیح کتاب سلسله العارفین و تذکره الصدیقین / عارف نوشاهی • شرح آداب خط: درباره تصحیح رساله سلطان علی مشهدی / علی‌رضا مانسوری‌زاد • تأملی در جنگ علی بن احمد، زمان تدوین و متن چاپی آن / فرزاد حقیق • ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۱۳): کمک خوارستن از متون ویدی برای اشتقاق فارسی / سید احمدرضا قاسمی‌نژاد • تأثیر و تأثر منابع سامی و مطالعات ساسانی: یک رویکرد نو / نیما جمال • آثار لطفی احمد افندی / نسرته صالحی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مطبع: مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
محل: خیابان ولیعصر، تهران
پست: ۱۴۱۵



۹۴ - ۹۵

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون،
نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره یکم و دوم
بهار - تابستان ۱۴۰۰ [انتشار: زمستان ۱۴۰۱]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر و سروراستار: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: صفحه انجامه نسخه اصلی دیوان
سلطان حسین میرزا بن منصور بن بايقرا (حک. ۸۷۳-
۹۱۱ق)، کتابت‌شده برای خود او و شامل مجموعه‌ای
از بهترین نمونه‌های نسخه‌آزایی. در تصویر روی
جلد، افزون بر انجامه (به نستعلیق سلطان‌علی مشهدی،
مورخ ۸۹۷ق در هرات) نگاره‌ای بی‌رقم ترسیم شده که
باید اثر یکی از استادان دستگاه سلطان‌حسین میرزا
باشد. حاشیه نسخه با افشان زر آراسته شده که در
بخش پایین، تشعیرسازی هم بر آن اجرا شده‌است.
هم افشانگری و هم تشعیرسازی نسخه از کهن‌ترین
نمونه‌های شناخته‌شده است.

فهرست

سرشن

سنگ زیرین آسیای تحقیق..... ۳-۴

بسمتد

یک تحوّل آوایی محدود در زبان فارسی / علی‌اشرف صادقی..... ۵-۷

فردوسی در بارگاه سلیمان؟ / ابوالفضل خطیبی، امیر ارغوان..... ۸-۱۷

اقتباس مآلصدرا از المباحث المشرقیة فخر رازی در اسفار / بیسیل یونماریاژ؛ ترجمه: سعید انواری، مریم

مهدوی مزده..... ۱۸-۳۵

دو بیت نویافته از رودکی در یک کتاب عروض و بلاغت تازه‌یاب از پایان قرن هفتم هجری /

سید محمدحسین حکیم..... ۳۶-۴۳

کتابخانه سلطنتی محمدظاهر شاه و فهرست‌نویسی نسخ خطی آن / معصومه نظری..... ۴۴-۵۳

برگ‌های آغازین شاهنامه حاجی قوام‌الدین حسن وزیر / امیر ارغوان..... ۵۴-۸۳

آرتور اوپهام پوپ و متعصب تلخ‌مزاج / اسکار وایت موسکارلا؛ ترجمه: هدیه رهبری..... ۸۴-۹۰

«قصب سه‌دامنی» و «دهنه»، دو اصطلاح ناشناخته در دیوان خاقانی / سید محسن حسینی وردنجانی..... ۹۱-۹۴

سفینه پریحر؛ معرفی اثری از قرن هشتم / فرزانه شکراللهی..... ۹۵-۹۹

نقد و بررسی

نثر فارسی، جلد پنجم از تاریخ ادبیات فارسی / مجدالدین کیوانی..... ۱۰۰-۱۱۱

درباره یک سرقت ادبی در تصحیح کتاب سلسله العارفین و تذکرة الصّدیقین / عارف نوشاهی..... ۱۱۲-۱۱۴

شرح آداب خط؛ درباره تصحیح رساله سلطان علی مشهدی / علیرضا هاشمی‌زاد..... ۱۱۵-۱۲۱

تأملی در جنگ علی بن احمد، زمان تدوین و متن چاپی آن / فرزام حقیقی..... ۱۲۲-۱۳۳

پژوهش‌های وابسته

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۱۳)؛ کمک خواستن از متون ویدی برای اشتقاق فارسی / سید احمدرضا

قائم‌مقامی..... ۱۳۴-۱۴۲

تأثیر و تأثر منابع سامی و مطالعات ساسانی؛ یک رویکرد نو / نیما جمالی..... ۱۴۳-۱۴۹

ایران در متون و منابع عثمانی (۲۴)

آثار لطفی احمد افندی / نصرالله صالحی..... ۱۵۰-۱۵۱

دو بیت نویافته از رودکی

در یک کتاب عروض و بلاغت تازه‌یاب
از پایان قرن هفتم هجری

سید محمدحسین حکیم

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
owraq.atiq@gmail.com

کرمان بود که در ربیع‌الاول ۶۸۱ق به تخت نشست و ده سال حکومت کرد، تا آن‌که در ذیقعدۀ ۶۹۱ق از سوی خواهرش، صفوة‌الدین پادشاه خاتون، از حکومت خلع و زندانی شد و در نهایت در شب ۲۷ رمضان ۶۹۳ق کشته شد (تاریخ شاهی قراختائیان، ۲۵۳۵: ۵۳، ۷۱، ۷۳). بنابراین، کتاب در فاصله ربیع‌الاول ۶۸۱ق تا ذیقعدۀ ۶۹۱ق در کرمان تألیف شده‌است.

مؤلف ناشناخته کتاب در آغاز هر علم تحمیدیه و خطبه کوتاهی آورده‌است. او در آغاز بخش‌های عروض و بیان هدف از آموزش این علوم را شناخت بهتر قرآن می‌داند و هر یک را به صورتی به فهم قرآن پیوند می‌زند. به نظر او بهترین ملاک برای فهم قرآن، شعر عربی است و فهم شعر عربی نیز بدون دانستن عروض و قوافی و بیان میسر نیست (گ ۴۷پ، ۹۰پ).^۳

کتاب به سه بخش تقسیم شده‌است: عروض که مفصل‌ترین بخش است (گ ۴۸ر - ۷۸پ)؛ علم قوافی (گ ۷۹پ - ۹۰ر) و بیان (گ ۹۰پ - ۹۹ر). بخش اخیر در توضیح مواردی است که امروزه ذیل دو عنوان جداگانه بیان و بدیع بررسی می‌شود. این بخش در شمار کهن‌ترین منابعی است که مباحث بیان را به زبان فارسی طرح می‌کنند و یادگار زمانی است که هنوز تفکیک سه‌گانه خطیب قزوینی (د. ۷۳۹ق) برای علوم بلاغی (شامل معانی و بیان و بدیع) ارائه نشده‌بود. به همین علت است که مؤلف در این بخش نخست مباحث علم بیان، یعنی حقیقت و مجاز و استعاره، را مطرح می‌کند و سپس به بخش صنایع لفظی می‌پردازد (گ ۹۳پ). بخش صنایع بدیعی به اجمال بسیار نوشته شده‌است، به صورتی که در چند صفحه آخر بدون تعریف صنایع لفظی تنها شواهدی برای هر صنعت ذکر شده‌است.

عموم کتاب‌های تألیف‌شده در عروض، بعد از المعجم و معیار الاشعار، تحت تأثیر این دو کتاب بوده‌اند؛ اما نویسنده کتاب ما، با این‌که المعجم را در اختیار داشته، از

کتب عروض و بلاغت متقدم، مانند ترجمان البلاغۀ رادیانی (قرن ۵) و حدائق السحر فی دقائق الشعر رشید و طواط (د. ۵۷۳ق) و المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس رازی (زنده در ح ۶۳۰ق) و معیار الاشعار خواجه نصیرالدین طوسی (د. ۶۷۲ق) از منابع مهم اشعار شعرای متقدم زبان فارسی هستند که دیوان اشعارشان از دست رفته‌است.

بر شمار این کتاب‌ها، کتابی تازه‌یاب در «علم عروض و قوافی و بیان» را نیز باید افزود که نویسنده‌ای ناشناس در اواخر قرن هفتم هجری در کرمان آن را نوشته‌است. مؤلف اگرچه از خود نام نبرده، اما در عوض نام حامی خود را به تفصیل با القاب متعدد آورده‌است. او کتاب خود را «به‌نام خزانه معموره خدایگان جهان، سپهر مقدرت و امکان، زینت و زیب تاج و تخت ایران، خداوند سلطان اعظم اعلم عادل، شهنشاه عادل، مالک رقاب العرب و العجم، کهف الثقلین، ظلّ الله فی الخافقین، المؤید من السماء، المنصور علی الاعداء، باسط العدل و الانصاف، ماحی الجور و الاعتساف، قاهر العتاة و المتمردین، قاصع الکفرة و الملحدين، سلطان السلاطین، جلال الدنیا و الدین، قطب الاسلام و المسلمین، ابوالمظفر سیورغتمش سلطان ضاعف الله سلطانه و اعلى شانه» موسوم کرده‌است (گ ۴۷ب - ۴۸ر). جلال‌الدین سیورغتمش سلطان، از امرای قراختائیان

۳. این استدلال در مقدمه شماری از کتب علوم بلاغت به همین صورت تکرار شده‌است. برای نمونه رک. رازی، بی تا: ۲۸؛ صدر الشریعة بخارایی، الوشاح، نورعثمانیه: گ ۱پ.

۱. اصل: الحوز.

۲. اصل: العناة.

رساله محل سخن ما از رساله انوری گرفته شده باشد.^۴ البته تفاوت‌هایی نیز میان دو کتاب وجود دارد. از آن جمله است اختلاف در نام‌گذاری سه دایره عروضی. سه دایره‌ای که در منهاج العروض با نام‌های متفقه، ممتنع و مجتلبه خوانده شده‌اند، در رساله محل سخن به ترتیب نام‌های مجتلبه، متفقه و مشتبه دارند.

با این تفصیلات اهمیت این کتاب در آن است که دایره اطلاعات مربوط به عروض نویسی فارسی پیش از حمله مغول را وسعت می‌بخشد و از این لحاظ در کنار کتاب‌های منهاج العروض انوری (قرن ۶) و الابداع فی العروض ابن فرخان (قرن ۶) قرار می‌گیرد.

در بخش قافیه این کتاب نیز تأثیری از المعجم دیده نمی‌شود. همچنین در بخش صنایع بلاغی، اگرچه شواهد مشابه زیادی بین این کتاب و المعجم وجود دارد، اما نحوه طرح مباحث و ترتیب آن‌ها به گونه‌ای نیست که تنها المعجم را مأخذ این بخش بدانیم، از جمله در بخش سجع که در المعجم نیست. حتی گاه مشابهت‌هایی هم با حدائق السحر دارد.^۵ با این همه به نظر می‌رسد شماری از شواهد شعری این کتاب از المعجم اخذ شده باشد.^۶

تنها نسخه شناسایی شده از این کتاب ضمن بیاضی از رسائل عروض و بلاغت است که کاتبی به نام عبداللطیف بن میمون بن مقبل، معروف به موفق، در فاصله سال‌های ۷۰۵-۷۱۰ق در کرمان برای استفاده شخصی خودش نوشته است. او استنساخ این بخش را در روز دوشنبه سلخ

۴. درباره منهاج العروض و شباهت‌های دو کتاب با یکدیگر رک. مقاله در دست انتشار نویسنده سطور درباره آن کتاب.

۵. برای نمونه توضیحات مربوط به «ایهام» در این کتاب (گ ۹۷) با حدائق السحر (رشید و طواط، ۱۳۶۲: ۳۹) مقایسه شود.

۶. برای نمونه در این صنایع شواهد این کتاب و المعجم یکسان است (در این مثال‌ها دقت شده است تا شواهد مشترک بین این کتاب و حدائق السحر و المعجم ذکر نشود): تجنیس ناقص (گ ۹۴)، ص ۳۳۹؛ عدد اول شماره اوراق نسخه و عدد دوم شماره صفحه المعجم مصحح مدرّس رضوی است). تجنیس مزدوج (گ ۹۵)، ص ۳۴۱؛ تشبیه صریح (گ ۹۶)، ص ۳۴۶؛ تشبیه مشروط (گ ۹۶)، ص ۳۵۲؛ ایهام (گ ۹۷)، ص ۳۵۶؛ تمثیل (گ ۹۶)، ص ۳۶۹؛ تسهیم (گ ۹۸)، ص ۳۷۴؛ ایجاز (گ ۹۸)، ص ۳۷۷؛ حشو ملیح (گ ۹۸)، ص ۳۷۹؛ حشو متوسط (گ ۹۸)، ص ۳۷۹؛ حشو قبیح (گ ۹۸)، ص ۳۸۰؛ التفات (گ ۹۸)، ص ۳۸۰؛ تأکید المدح بما یُشبه الذم (گ ۹۸)، ص ۳۸۲؛ مراعات النظیر (گ ۹۸)، ص ۳۸۳؛ تنسیق صفات (گ ۹۸)، ص ۳۸۷؛ سیاقه الاعداد (گ ۹۸)، ص ۳۸۷.

آن تأثیر قابل توجهی نپذیرفته و در موارد محدودی از آن بهره برده است. او تنها یک بار از کتاب شمس قیس نام می‌برد و در همان موضع هم به او ایراد می‌گیرد:

و امام شمس‌الدین قیس در عروض خود گفته است که این عروض اصلم مسیغ است. و گفته شده است که صلّم انداختن و تد مفرد است در آخر جزو. و حال ازین دو بیرون نیست که نظر به فعلاتن کنیم یا فعلات. اگر به فعلاتن کنیم درو هیچ و تد مفروق نیست، پس اصلم نتواند که باشد، و اگر نظر به فعلات کنیم که نوع اوست در بحر، در [و] و تد مفروق هست، لیکن به تسبیغ فعلاّن نشود، چه تسبیغ زیادت کردن یک حرف ساکن است در آخر سبب، و اگر یک حرف زیادت کنیم دو حرف دیگر زیادت ماند. پس به هیچ اعتبار نشاید که اصلم باشد و ضرب او مخبون مقصور است، یعنی فعلات و فعلاّن به جای او نهند و نیز روا باشد که عروض و ضرب هر دو برآید. (گ ۷۱پ)

این احتمالاً قدیم‌ترین اشاره به کتاب شمس قیس نیز هست (برای دیگر موارد ذکر المعجم در کتب قدما رک. شمیسا، ۱۳۸۸: ۵۲۱، ۵۴۰-۵۴۲).

او در جایی دیگر عین عبارات المعجم (رازی، بی تا: ۱۴۶) را بدون اشاره به نام آن نقل کرده است:

درین شعر یک رکن مقطوع است، چه مستفعلن را قطع کنی، مستفعل گردد و مفعولن به جای او نهند. و دیگر مطوی مکشوف و درین بحر خرشیدی گفته است و قطع و طی در مصراع اول کرده است و طی تنها در مصراع دوم کرده و عروض و ضرب او منحور گردانیده، چنانک:

تاکی گریی ز عشق تاکی نالی
سود ندارد گریستن چه سگالی

(گ ۶۸پ)

با این همه در دوایر و تقسیم بحور عروضی هیچ تأثیری از المعجم نپذیرفته و سبک تقسیم‌بندی او دقیقاً مخالف شمس قیس رازی است. رازی سبک استفاده شده در این کتاب را نامعقول دانسته و بر آن ایرادات متعددی وارد کرده است (رازی، بی تا: ۸۹-۹۲). در این بخش تأثیر رساله منهاج العروض انوری شایان توجه است. روش تقسیم‌بندی بحور و دوایر در هر دو کتاب یکسان است و در چند مورد عین عبارات انوری در متن ذکر شده است. شواهد شعری یکسانی نیز بین دو کتاب وجود دارد که به نظر می‌رسد در

ربیع الاوّل ۷۰۵ق در واشیر کرمان به پایان رسانده است. این کتاب در برگ‌های ۴۷پ - ۹۹ر بیاض مذکور نوشته شده است. نسخه یادشده به شماره ۳۴۱۷۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. متن و شواهد شعری این کتاب، با توجه به قدمت متن و همچنین قدمت نسخه، اهمّیت مضاعف دارد.

اشعار

از فواید مهمّ این کتاب شواهد شعری آن است. همان‌طور که گفته شد، شماری از این شواهد از منهای العروض انوری و المعجم شمس قیس نقل شده‌اند. اما ابیات قابل توجه دیگری هم در کتاب مورد استشهاد قرار گرفته‌اند که یا در منابع دیگر ذکری از آن‌ها نیست، یا ضبط بهتری نسبت به منابع در اختیار دارند و یا از لحاظ تاریخی حائز اهمّیت هستند.

روش نویسنده آن است که به نام سراینندگان اشاره نمی‌کند. این امر در بعضی موارد می‌تواند ناشی از عدم دسترسی مستقیم او به اشعار شاعران و نقل آن‌ها به واسطه کتب عروضی و بلاغی باشد. برای نمونه او به سروده‌های این شاعران بدون ذکر نامشان استشهاد کرده است: فردوسی (۷۵پ)، فرخی سیستانی (۶۶پ)، منوچهری (۸۰ر)، امیر معزی (۵۹ر، ۵۹پ، ۶۱ر، ۸۵ر بیت اول)، سنایی (۵۹ر، ۶۰پ، ۶۱ر، ۶۴پ، ۶۵ر دو بیت، ۶۹پ، ۷۰ر، ۷۱ر، ۸۳پ بیت اول)، سید حسن غزنوی (۹۶پ)، ظهیر فاریابی (۶۱پ)، شرف‌الدین بیهقی (۶۵ر)، قطران^۷ (۹۷ر)، نظامی (۶۵پ)، بیت نخست مخزن الاسرار، رشید وطواط (۹۴ر، ۹۴پ)، ظهیر فاریابی (۸۱ر، ۸۱ب، ۸۵ر بیت چهارم)، خاقانی (۸۳پ بیت اول، ۹۵پ)، اثیرالدین اخیسکتی (۸۴ر بیت سوم)، سیف اسفرنگی (۸۴ر، بیت دوم).

نویسنده در مورد شماری از شاعران نزدیک به روزگار خود از عنوان کلی «یکی از متأخران» استفاده کرده است. مثلاً هنگام نقل بیتی از خاقانی (۱۳۳۸: ۶۵۶) نوشته است: اگرچه یکی از متأخران بر هشت رکن گفته است، چنانک:

۷. با تفاوت نسبت به ضبط دیوان او (قطران، ۱۳۶۲: ۱۲۵):

کثیر بخشش او نزد او همیشه قلیل قلیل بخشش او نزد ما همیشه کثیر

تو چه دانی که از وفا چه نمودم به جای تو
علم الله که جان من چه کشید از برای تو
(۶۹ر)

و این بیت که جمال قرشی در عراضة العرویین آن را از برهان سمرقندی^۸ دانسته است (جمال قرشی، ۱۳۸۲: ۱۵):

یکی از متأخران برین بحر گفته است و آن مشهور است:

به کرشمه‌ای بشود^۹ که در من بی‌نوا نظری کنی
به نوازش ای مه در قبا ز دو ساعدم کمری کنی
(گ ۵۶ر)

و نیز یک مورد دیگر که سراینده‌اش شناخته نشد:

چنانک یکی از متأخران گفته است:

لب چو پسته خندان کن زلف را پریشان کن
قیمت شکر بشکن نرخ عنبر ارزان کن
(پ ۷۰)

مؤلف در تمام کتاب تنها به نام ۵ شاعر اشاره کرده است: رودکی، یوسف عروضی، سعدی، انوری، خرشیدی.^{۱۰}

۱. رودکی

رودکی تنها شاعری است که مؤلف دو بار با تصریح به نام از سروده‌هایش استفاده کرده است.

چنانک استاد رودکی گوید:

شب سیاه بدان زلفکان تو ماند
سپید روز به باکی رخان تو ماند
(گ ۷۲ر)

این بیت را مؤلف یک بار دیگر به عنوان نمونه‌ای برای تشبیه مقلوب و بدون ذکر نام سراینده آورده است. در آنجا مصراع دوم به این صورت ضبط شده است: «سپید روز بدان دو رخان تو ماند» (گ ۹۶ر). این بیت مطلع غزلی ۶ بیتی است که شمس قیس در المعجم به نام دقیقی نقل کرده است (رازی، بی تا: ۱۶۰-۱۶۱). ژیلبر لازار و دبیرسیاقی هم به نقل

۸. درباره او اطلاعی در دست نیست. هویت او برای مصحح آن رساله هم نامشخص بوده است (ذکرالحسینی، ۱۳۸۲: بیست و هفت). نجاتی نیشابوری (زنده در ۷۳۸ق) در رساله پیروزی و مقاله نوری این بیت و دو بیت بعد از آن را به نام «یکی از افاضل سمرقند رحمه الله» نقل کرده است (نجاتی، ۱۴۰۰: ۱۳۹، ۲۱۱).

۹. ظ: «چه شود» (= جشود); چنین است در عراضة العرویین.

۱۰. البته شعر خرشیدی ضمن جملاتی آمده که مؤلف به صورت مستقیم از المعجم نقل کرده است. متن این بخش پیش تر آمد.

دستنویس موجود در مدرسه علوم سیاسی تهران، و به پیروی از او شماری دیگر از محققان، از جمله رواقی، بیت دوم را، البته با ضبطی دیگر، ضمن ابیات رودکی آورده‌اند (نفسی، ۱۳۴۱: ۵۱۹؛ رواقی، ۱۳۹۹: ۴۵). اما دبیرسیاقی بیت اول را به نقل از لغت فرس اسدی و لازار بیت دوم را به نقل از فرهنگ سروری و فرهنگ شعوری از دقیقی دانسته‌اند (دبیرسیاقی، ۱۳۴۲: ۱۱۵؛ لازار، ۱۳۴۱: ۱۴۲)^{۱۴}. در فرهنگ حلیمی هم هر دو بیت مطابق با ضبط نسخه ما به دقیقی نسبت داده شده‌است. لذا احتمال انتساب آن به دقیقی جدی‌تر است (امامی، ۱۳۹۷: ۲۹-۳۱).

۲. یوسف عروضی

یوسف عروضی (قرن ۴) را پایه‌گذار عروض فارسی دانسته‌اند. خواجه نصیرالدین طوسی او را در عروض فارسی همچون خلیل بن احمد فراهیدی در عروض عربی می‌داند (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۹: ۱۱۹).^{۱۵}

قاضی جمال‌الدین ابوسعید علی بن مسعود بن محمود ابن فرخان (قرن ۶) از ادبای شیعه اهل کاشان کتاب عروضی او را در اختیار داشته و در الابداع فی العروض، ضمن شرح دلیل اختلاف در نام‌گذاری اوزان عروضی به آن اشاره کرده‌است:

فان قبل انکم سمّیتم البحر هذا مکفوف الرجز من حیث ان مستفعل هذا أسقط النون من آخره. فالجواب انه لا يتوجه علی اصلنا هذا النحو من الاعتراض، لأننا قد احصینا لک الافاعیل فی المقالة الاولى من هذا الكتاب، فاعلمناک ان مستفعل و ما معه من الافاعیل السداسیة کل واحد منها اصل علی حیاله صحیح؛ الا انا نشاح فی التسمیة فنسمی هذا النحو من البحور بما هو الاعرف من الاسماء و الاعرف هنا هو الاسم الزحافی اعنی الذی متصور بالاضافة الی السباعی من الافاعیل حسب ما جرت العادة باستعمالها. وکان یوسف العروضی صاحب العروض الفارسیة قد تظن لشیء من هذا حین رتب البحور الفارسیة علی وجه جعل هذه السداسیات اصولاً فیه بحیث لا يتداخل و لا يتداخل شیء منها الاصول السباعیة اذ العبرة عنده بالادوار

۱۴. البته ضبط بیت در هر دو منبع با ضبط نسخه ما تفاوت‌هایی دارد.
۱۵. درباره کتاب عروضی او رک. صدیقی، ۱۳۴۵: ۱۲۳-۱۲۴. فخر رازی در جامع العلوم سنی از کتاب قافیه یوسف عروضی یاد کرده‌است (فخرالدین رازی، ۱۳۸۲: ۲۳۱).

از همین منبع آن را در شمار اشعار دقیقی ثبت کرده‌اند (لازار، ۱۳۴۱: ۱۴۷؛ دبیرسیاقی، ۱۳۴۲: ۹۹).

مؤلف در قسمت وصل در بخش حروف قوافی نوشته‌است:

و گروهی گویند الف نیز وصل افتد، چنان کی در شعر استاد رودکی آمده‌است:

جهانا نیاید ز تو راستی خود
نه هرگز کس از تو کند خواستارا
کرا داده‌ای زینهار از بدی تا
من از تونیوشه کنم زینهارا

و ببايد دانست که وصل بر دو وجه است: یکی حقیقی و دیگر مستعار. و از شرایط وصل حقیقی آن است که نه از نفس کلمه باشد و نه از زواید، بل که بیشتر ضمیر باشد و شک نیست که در آخر «خواستارا» و «زینهارا» از زواید است و در وصل مستعار آنها شرط هست، پس وصل مستعار باشد. (گ ۸۳ر)

این دو بیت از اشعار نویافته رودکی است و در دیگر منابع ذکری از آنها نیست.

مؤلف در هر دو مورد رودکی را «استاد» خوانده‌است. خطاب رودکی با این لقب سابقه‌ای دیرین دارد. از باب مثال کسایی او را «استاد شاعران جهان» خوانده‌است (ریاحی، ۱۳۷۳: ۱۰۰) و ابوالفضل بیهقی در تاریخ بیهقی و عوفی در لباب الالباب نیز از او با همین لقب یاد کرده‌اند (بیهقی، ۱۳۸۸: ۵۲؛ عوفی، ۱۹۰۳: ۶/۲).

مؤلف برای صنعت تفریق این دو بیت را بدون ذکر نام سراینده به عنوان شاهد آورده‌است:

تشر ۱۱ راد خوانمت پرگست^{۱۲}
او چو تو کی بود به گاه عطا
تشر راد را عطا آبست
آن تو زرّ و گوهرست عطا^{۱۳}

(گ ۹۷ر)

نفسی به استناد مجمع الفرس سروری و فرهنگ لغت

۱۱. کاتب این کلمه را هر دو بار بدون نقطه نوشته‌است. برای او صورت درست کلمه مشخص نبوده‌است، لذا هر دو بار از علامت سه نقطه شک برای نشان دادن تردید خود در حاشیه صفحه و علامتی شبیه عدد ۲ روی کلمه در متن استفاده کرده‌است.

۱۲. اصل: برکش.

۱۳. چنین است در اصل؛ قافیه مکرر.

انفסהا و الهیئات التي لها. و نعم المسلك مسلکه هذا يشهد بصحة الاستعمال الفارسي حيث لا يقع فيه التداخل الزحافي الا نادراً و بحيث يُعدُّ هجئة ضرورية لا محمل فيها للقياس. و من نظر في الكتب التي صنفها القدماء في العروض الفارسية، ثم نظر في كتابنا هذا عرف انه كفي في هذا الموضوع مؤونة كثير من التشويش. (ابن فرخان، الابداع، نورعثمانیه: گ ۴۹ پ- ۵۰ ر)

مؤلف از دواير عروضی یوسف عروضی هم یاد کرده است و ظاهر نقل او نشان از دسترسی اش به این دواير دارد. برعکس این رساله، دواير عروضی ای که جمال قرشی به نام یوسف عروضی در پایان کتاب عراضة العروضيین آورده است ارتباطی با او ندارد (جمال قرشی، ۱۳۸۲: ۲۹-۳۲).

فصل در یادکردن دایره اولی. بدانک دایره اولی را دایره^{۱۶} مؤتلفه خوانند و سه بحر درین دایره است: یکی هزج سالم، دوم رجز سالم، سوم رمل سالم. اوستاد یوسف عروضی در هر دایره مصراعی گفته است کی بحور دایره ازو بیرون می آید، به تقدیم و تأخیر. (گ ۵۸ ر)

یوسف عروضی شعر هم می سروده است. ابن معین ابرقوهی (زنده در ۸۱۵ق) بدون نقل هیچ سروده ای متذکر شده است که او «اشعار نیک دارد» (ابن معین، فردوس التواریخ، روسیه: گ ۵۴۷ ر). از این عبارت برمی آید که اشعار یوسف عروضی در دسترس ابرقوهی بوده است. اما اکنون اشعار پراکنده کمی از او در دست است که سعید نفیسی و ذبیح الله صفا و محمود مدبری آنها را جمع کرده اند (نفیسی، ۱۳۱۰: ۷۵۸-۷۶۰ صفا، ۱۳۳۴: ۶-۷؛ مدبری، ۱۳۷۰: ۳۴۸-۳۵۰). مجموع این ابیات به نوزده بیت می رسد که این بیت را هم باید به آنها افزود:

مفکوک آن باشد که شعر را مقسوم کنی بر اجزا، چنان که هر جزوی را که در اول است به آخر آری، وزنی دیگر شود. چنانک استاد یوسف عروضی گفته است:

کار مرا دیگر صعب اوفتاد
یار مرا صد ره انده گشاد
و آن سریع است، اگر گویی:

مرا دیگر صعب اوفتاد کار

قریب گردد^{۱۷}، اگر گویی:
دیگر صعب اوفتاد کار مرا
منسرح گردد، اگر گویی:
صعب اوفتاد کار مرا دیگر^{۱۸}
مضارع گردد و این قصیده است.

(گ ۹۹ ر)

مؤلف از یوسف عروضی نیز، همچون رودکی، با لفظ استاد یاد کرده است. شماری از عروض دانان از جمله جمال الدین قرشی (قرن ۷) و فخری اصفهانی (قرن ۸) و نجاتی نیشابوری (زنده در ۷۳۸ق) هم از او به همین صورت یاد کرده اند (جمال قرشی، ۱۳۸۲: ۲۹؛ فخری اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲، ۱۷۲، ۱۹۲؛ نجاتی نیشابوری، ۱۳۹۱: ۱۸۴).

۳. سعدی

با توجه به تاریخ تألیف کتاب (بین ربیع الاول ۶۸۱ق تا ذی قعدة ۶۹۱ق) به احتمال بسیار این اشعار در زمان حیات سعدی (د. ۶۹۱ق) نقل شده است. می دانیم اشعار سعدی در زمان خودش عالم گیر شد^{۱۹} و نقل ابیاتی از او در این کتاب نیز نمونه ای از اقبال به سروده های او در زمان خودش، در منطقه ای مجاور شیراز، یعنی کرمان، است. کتاب تاریخ شاهی قراختائیان هم که در همین زمان، حدود ۶۹۰ق، در کرمان تألیف شده، حاوی سروده هایی از سعدی است (باستانی پاریزی، ۲۵۳۵: چهارده).

همان گونه که گذشت، مؤلف تعمّدی داشته است که نام شعرای متأخر را ذکر نکند. با این حال به نام سعدی که هم روزگار خودش بوده اشاره کرده است. شاید این موضوع نشانه اهمیّت سعدی در نظر مؤلف باشد.

از سعدی هفت بیت در شش موضع مختلف کتاب نقل شده که تنها یک مورد از آنها با ذکر نام شاعر همراه است:

تلمیح آن است که در شعر اشارت کنی به مثلی یا قصه ای
یا شعری نادر، چنانک سعدی راست:

مرا تومی منه و گل مریز در مجلس
که شرط نیست که زحمت میان ما گنجد

۱۸. اصل: دگر.

۱۹. برای نمونه هایی از شهرت سعدی در روزگار خودش رک. نحوی، ۱۳۸۵.

۱۶. اصل: دایراه.

۱۷. اصل: کرد.

۷۱، ۷۱ پ، ۷۳ ر- شعر سوم، ۷۴ ر- شعر آخر، ۷۵، ۸۱ ر- شعر اول، ۸۲، ۸۸ ر- دو شعر، ۸۸ ب، ۹۲ ر- بیت دوم، ۹۳ ر- سه بیت در پایین صفحه، ۹۳ پ، ۹۶ پ- بیت چهارم، ۹۷ پ؛ اما تنها یک بار از او نام برده است:

اختلاف در تأسیس، چنانکه انوری گفته است درین قصیده:

چو از دوران این نیلی دوایر
زمانه داد ترکیب عناصر

تأسیس [مختلف] آورده. (۸۹ پ)

منابع

- ابن الفرخان. الابداع فی العروض. دستنویس ش ۴۱۰۵ کتابخانه نورعثمانیه (استانبول). قرن ۸.
- ابن معین ابرقوهی، خسرو بن عابد. فردوس التواریخ. دستنویس ش 267 Dorn کتابخانه ملی روسیه. ۸۰۸ ق. به خط مؤلف.
- امامی، نصرالله، مزگان شیرمحمدی و سجّاد دهقان (۱۳۹۷). «بررسی آیاتی نویافته از رودکی در فرهنگی ناشناخته». شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز. س ۱۰، ش ۲ (تابستان)، پیاپی ۳۶: ۱۷-۴۴.
- انوری ابیوردی (۱۳۷۲). دیوان انوری. به اهتمام محمدتقی مدرّس رضوی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۲۵۳۵) ← تاریخ شاهی قراختائیان، ۲۵۳۵ (مقدمه)
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۸). تاریخ بیهقی. به تصحیح محمدجعفر یاحقی و مهدی سیّدی. تهران: سخن.
- تاریخ شاهی قراختائیان (۲۵۳۵). مؤلفی ناشناخته در قرن هفتم. به اهتمام و تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: بنیاد فرهنگ.
- جمال قرشی، ابوالفضل محمد (۱۳۸۲). عراضة العروضیین. به کوشش محسن ذاکرالحسینی. ضمیمه شماره ۱۳ نامه فرهنگستان.
- خاقانی، افضل الدین بدیل (۱۳۳۸). دیوان. به تصحیح ضیاء الدین سجادی. تهران: زوار.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۴۲). دقتی و اشعار او. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.

چه حاجت است به گل عیش ویس و رامین را
میان خسرو و شیرین شکر کجا گنجد^{۲۰}

و این جا در غایت خوبی افتاده است که در مصراع اول اشارت کرد به قصه ویس و رامین و گل و در مصراع دوم اشارت کرد به قصه خسرو و شیرین و شکر، تا آنک در هر دو ایهام آورد و مناسبت نگاه داشت که به مجلس و گل و شیرین و شکر با هم مناسبت دارد. (گ ۹۷ ب)

و این بیت به عنوان شاهد برای بحر رمل مخبون:

نه تو گفستی که به جای آرم و گفتم که نیاری
عهد و پیمان و وفاداری و دلبندی و یاری؟^{۲۱}

(۶۶ ر)

در قافیۀ متراکب:

مرا تو جان عزیز و یار محترمی
به هر چه حکم کنی بر وجود من حکمی^{۲۲}

(۸۰ پ)

در تعریف «تأسیس»:

هر صفتی را دلیل معرفتی هست
روی تو بر قدرت خدای دلایل^{۲۳}

(۸۵ پ)

در تشبیه تفضیل:

همی گویم به مه مانی ولی ماه
نپندارم چنین شیرین دهانست^{۲۴}

(۹۶ پ)

و در صنعت جمع:

میان حظ من و دشمنان فرقی نیست
منت به مهر همی میرم و حسود به کین^{۲۵}

(۹۷ ر)

۴. انوری

اگرچه بیشترین استشهاد مؤلف در بخش های مختلف به اشعار انوری است^{۲۶} (۵۸ پ، ۵۹ پ، ۶۰ ر، ۶۸ ر، ۶۹ پ، ۷۰ ر،

۲۱. از طیبیات؛ نک. سعدی، ۱۳۸۵: ۲۰.

۲۲. از طیبیات؛ نک. همان: ۸۳.

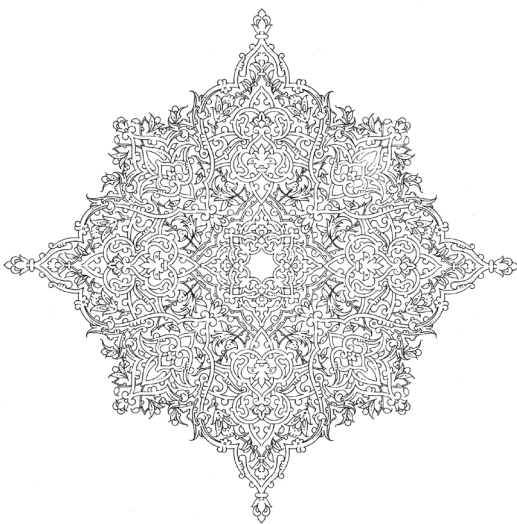
۲۳. از طیبیات؛ نک. همان: ۱۲۸.

۲۴. از بدایع؛ نک. همان: ۲۰۸.

۲۵. بیته از قصیده سعدی در مدح صاحب دیوان، شمس الدین محمد جوینی (سعدی، ۱۳۷۵: ۶۸۵).

۲۶. در المعجم نیز سهم انوری از شواهد شعری بیش از دیگران است (مدرّس رضوی، ۱۳۷۲: ۱۰۹).

- ذاکرالحسینی، محسن (۱۳۸۲). ← جمال قرشی، ۱۳۸۲ (مقدمه)
- رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس (بی‌تا). المعجم فی معاییر اشعار العجم. به تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، با مقابله با شش نسخه خطی قدیمی و تصحیح مدرّس رضوی. تهران: کتابفروشی تهران.
- _____ (۱۳۸۸). المعجم فی معاییر اشعار العجم. به تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تصحیح مجلّد مدرّس رضوی و سیروس شمیسا. تهران: علم.
- رشید و طواط (۱۳۶۲). حدائق السحر فی دقائق الشعر. به تصحیح عباس اقبال. تهران: سنائی.
- رواقی، علی (۱۳۹۹). سروده‌های رودکی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۷۳). کسایب مروزی: زندگی اندیشه و شعر او. تهران: علمی.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۵). کلیات سعدی. بر اساس تصحیح و طبع شادروان محمدعلی فروغی و مقابله با دو نسخه معتبر دیگر. به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: ناهید.
- _____ (۱۳۸۵). غزلهای سعدی. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۸). ← رازی، ۱۳۸۸ (مقدمه)
- صدر الشریعة بخارایی. الوشاح فی ضبط معاهد المفتاح. دستنویس ش ۴۴۷۹ کتابخانه نورعثمانیه (استانبول). قرن ۹.
- صدیقی، غلامحسین (۱۳۴۵). «بعضی از کهن‌ترین آثار نثر فارسی تا پایان قرن چهارم هجری». مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، س ۱۳، ش ۵۲ (تیر): ۵۶-۱۲۶.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۳۴). «دو شاعر گمنام». مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، س ۲، ش ۳ (فروردین): ۱-۷.
- عوفی، محمد (۱۹۰۳ م). لباب الالباب. به سعی و اهتمام و تصحیح ادوارد براون. لیدن: بریل.
- فخرالدین رازی (۱۳۸۲). جامع العلوم (ستینی). به تصحیح سید علی آل‌داود. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- فخری اصفهانی، شمس‌الدین محمد بن فخرالدین سعید (۱۳۸۹). معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی (علم عروض، علم قوافی، علم بدایع الصنایع). تحقیق و تصحیح یحیی کاردرگر. تهران: کتابخانه مجلس.
- قطران تبریزی (۱۳۶۲). دیوان. به تصحیح محمد نخجوانی. تهران: ققنوس.
- لازار، ژیلبر (۱۳۴۱). اشعار پراکنده قدیمی ترین شعرای فارسی زبان: از حنظله بادغیسی تا دقیقی. تهران: انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران.
- مدبری، محمود (۱۳۷۰). شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان در فرنهای ۵/۴/۳ هجری قمری. تهران: پانوس.
- مدرّس رضوی، محمدتقی (۱۳۷۲). ← انوری، ۱۳۷۲ (مقدمه)
- نجاتی نیشابوری، محمود بن عمر (۱۳۹۱). «الکافیة فی العروض و الصنعة و القافیة». تحقیق مسعود راستی‌پور. در: نذر عارف: جشن‌نامه دکتر عارف نوشاهی. به‌خواستاری سعید شفیعیون و بهروز ایمانی. تهران: کتابخانه مجلس. ص ۱۷۳-۲۱۰.
- _____ (۱۴۰۰). رساله پیروزی و مقاله نوروزی: شرح قصیده بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار مطرزی گنجوی. تحقیق و تصحیح بهروز ایمانی. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار - سخن.
- نحوی، اکبر (۱۳۸۵). «آوازه سعدی در قرن هفتم». سعدی‌شناسی، ش ۹: ۴۴-۶۲.
- نفیسی، سعید (۱۳۱۰). «یوسف عروضی». شرق، س ۱، ش ۱۲ (بهمن): ۷۵۸-۷۶۰.
- _____ (۱۳۴۱). محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی. تهران: کتابفروشی ابن‌سینا.



معاذک ان باشد که شعر امتسوم کنی بر اجرا
 چنان که هر موزی را که در دست با هزاری در زما
 دیگر شود چنانکه استاد یوسف عروضی کنش است
 کار مراد دیگر صیغه افخاد، مار مراد صیغه اندک کشاد
 و آن سر بخت اگر کوی، مراد صیغه افخاد کار
 قریب کرد اگر کوی، دیگر صیغه افخاد کار را، منبرج
 کرد اگر کوی، صیغه افخاد کار مراد کر، مضارع
 کرد در اقصیه است **محمل** آنت با بود
 بحر شنوان خواند چنانکه ای درخشان تو خواه نام
 دی بر لب تو تر مشک دام، درجه دیگر خود خواه کو
 درجه علم جو تو بگر گدام، این طایفه بودی بحر تو خواهد
 مکی در طایفه دیگر شرح **سمط** آنت که شعر با بچند
 بخشش کنند در شرح مفرغی با مشرقا نه مارند
تبعیج آنت که مرت را بر چهار بخش کنند
 در بخش چهارم با قافیه مارند **تمجیح** آنت
 که قصیده بر چند قطعه بشیم کنند همه در وزن
 متنق در قوافی محفل باشند در میان هر دو قطعه
 یک بیت را تغییر سازند و اگر هر زمان هر دو قطعه
 بنویسند یا در کمال نباشد آنرا فوسط خوانند و در
 اقتضا آنتم تا در شرایط اجاز در مکرر در **داند علم**
نسخه عهد اسپینوس معون مشعلی بواسطه کران
 ادا ام الله علی ساکنینها الامور المانی لعم لا کر
 سلح به لاول لسه عمری متعالیه

خاتمه کتاب، مورخ ۷۰۵ق، گ ۹۹پ

و تا جن آبد
 بدو میاوی لب بسته دهنش
 لسه لوس خوش فندق شکست
 کردی کو نید الفیز و صلا اند جنان
 کادر شعر استاد رودکی را چه است
 همانا نیاید ز تو راستی خود
 زهر کن کس از تو کند خواستار
 کرا داد کاز بهما از بدی تا
 من از تو نبوده کم ز بهما را
 و بایده آنت که اصل بر دو وجه است
 یکی حقیق و دیگر مستعار در از شرایط
 وصل حقیق آنت که از نفس کلمه
 باشد نه از زواید بکامش ضمیر باشد
 در شکل است که در لغت خواستار او ز بهما را

ابیات منقول از رودکی، گ ۸۳پ

Table of Contents

Editorial

Shouldering the Responsibility for Scholarship	3-4
--	-----

Articles

On a Specific Phonetic Change in the Persian Language / Ali Ashraf SADEGHI	5-7
Ferdowsi in the Court of Solomon? / Abolfazl KHATIBI, Amir ARGHAVAN	8-17
Şadrā's Use of Fakhr al-din Rāzī's <i>al-Mabāḥith al-Mashriqiyya</i> in the <i>Asfār</i> / Cécle BONMARIAGE; Translated by Saeed ANVARI, Maryam MAHDAVI MAZDEH	18-35
Two Newly-Found Couplets from Rūdakī in a Newly-Discovered Book on Prosody and Rhetoric from the Late Seventh Century AH / Seyyed MohammadHosein HAKIM	36-43
The Royal Library of Muhammad Zāhir Shāh and Cataloguing its Manuscripts / Masumeh NAZARI	44-53
First Pages of the <i>Shahname</i> of Qawām al-dīn Hasan-i Wazīr / Amir ARGHAVAN	54-83
The Pope and the Bitter Fanatic / Oscar White MUSCARELLA; Translated by Hedyeh RAHBARI	84-90
<i>Qaṣab-i Si Dāmanī</i> and <i>Dah-Nuh</i> , Two Obscure Expressions in Xāqānī's Collection of Poetry / Seyyed Mohsen HOSEYNI VARDANJANI.....	91-94
<i>Safīna-yi Pur Bahr</i> (an Anthology of Opuses); a Review of a Book from the Eighth Century AH / Farzaneh SHOKROLLAHI	95-99

Reviews and Critiques

<i>Persian Prose</i> , Fifth Volume of <i>A History of Persian Literature</i> / Majdoddin KEYVANI	100-111
On Plagiarism in the Edition of <i>Silsilat al-'arīfīn wa Taḍkirat al-Şiddīqīn</i> / Arif NAUSHAHI.....	112-114
<i>Sharḥ-i Ādāb-i Khat</i> (A Commentary on the Principles of Calligraphy); On the Edition of Sulṭān 'Alī-yi Mašhadī's Treatise / AliReza HashemiNejad	115-121
Reflecting on <i>Jung-i 'Alī Ibn-i Aḥmad</i> (an Anthology Compiled by 'Alī Ibn-i Aḥmad): the Date of Compilation and the Published Text / Farzam HAGHIGHI.....	122-133

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (13); Drawing On the Vedic Texts for the Etymology of the Persian Language / Seyyed AhmadReza QAEMI MAQAMI	134-142
The Interplay Between Semitic Sources and Sasanian Studies: a New Approach / Nima JAMALI.....	143-149

Iran in Ottoman Texts and Sources (24)

Works of Lütfi Ahmed Efendi / Nasrollah SALEHI	150-151
--	---------